

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عید سعید غدیر و انتخاب امامت و ولایت عنی علیه السلام از جانب خدای  
جنیل مبارک باد

رویداد غدیر خم مقام عاشقان دلیر، فردوس حضور و پیام صدور باورمندان  
عقیده و ایمان در دنیای تشیع و اسماعیلیسم است !!

تهیه و تدوین : پیکار

۲۱ سنبله ۱۳۹۰



ای نگار روحانی خیز و پرده بالا زن

در سراق لاهوت کوس لا و الا زن

در ترانه معنی دم ز سر مولا زن

وانکه از غدیر خم باده تولد زن (ملک الشعرا بهار)

جغرافیای غدیر خم : غدیر خم ناحیه ای است میان مکه و مدینه، که پیامبر  
اسلام در برهه زمانی حجت الوداع، علی علیه السلام را "ولی" بعد از خود برای

همه باورمندان اعلان فرمود. از این سبب هجدهم ذی الحجه، سالروز این رویداد سترگ تاریخی در میان همه شیعیان جهان، به عید غدیر خم شهرت بسزایی دارد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، پیامبر اسلام در بازگشت از فرجامین حج خود، همه مسلمانانی که آنحضرت را در حج همراهی می نمودند، در محیط و محل غدیر خم جمع نمود، و بر بنیاد اعتقاد شیعیان، آنحضرت حضرت مرتضی علی ابن ابی طالب را به عنوان وصی، ولایت دار، جانشین و برادر خویش از سوی الله تبارک و تعالی، معرفی نمود. عباره معروف "هر آن کس که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست"، قسمتی از خطابه بلند غدیر می باشد. گرچه در تفسیر حدیث غدیر خم در میان شیعیان و اهل سنت و الجماعت اختلاف وجود دارد.

اهل سنت در مقابل تنها اظهار نزدیکی پیابر به علی میدانند و اظهار خواسته اش که علی به عنوان پسر عمو و دامادش جانشین او در مسؤلیت های خانوادگی اش پس از مرگ شود قایل اند، در صورتی برای پیامبر خدا موضوع و سرنوشت امت مسلمه بالا تر از سرنوشت خانوادگی و قومی و دسته ای بود.

رویداد غدیر خم در آثار و آفریده های اهل تشیع و در بسا از کتب و آثار اهل سنت و جماعت، نیز نقل شده است. اولین منبع تاریخی که به این رویداد اشاره می کند، اثر یعقوبی تاریخ نگار شیعه در نیمه دوم قرن سوم هجری است و اولین آثار ادبی قابل تاریخ گذاری، مجموعه اشعاری از نویسندگان شیعه در سده دوم هجری است. از مراحل آغازین سده دوم هجری رویداد تاریخی غدیر خم، به عنوان دلیل نویسندگان شیعه در راستای اثبات برحق بودن علی بر جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آمده است.

"غدیر خم"، مکانی است در میان آستان های مکه و مدینه، که بر سر راه حاجیان قرار دارد و به خاطر وجود برکه ای در این محل که در آن آب باران

جمع می شده ، به این نام معروف ومشهور شده است. غدیر خم به سبب وجود آب و چندین درخت کهن سال، محل توقف و استراحت کاروانیان بود؛ با وصف آنکه دارای گرمای خیلی ها طاقت فرسا و دشواری آفرین نیز بود.

دانشمند و پژوهشگر سر شناس ایران زمین، **سید حسین نصر** ، می نویسد:  
"مادامی که حضرت محمد، از آخرین حج خود در سال **632** میلادی، باز می گشت، خطابه ای را در مورد علی ایراد که توسط شیعه و سنی بسیار متفاوت به تفسیر گرفته شده است. مطابق با روایت هردو دسته محمد (ص)، فرمود که علی وارثش و برادرش و کسی است که هر کس پیامبر را به عنوان مولایش (**قائد و یا دوست مورد اعتماد**)، به پذیرد، علی نیز مولا و صاحب ولایت او است. این اظهارات را به معنی تعیین علی به جانشینی پیامبر و اولین امام میدانند. اهل سنت در مقابل تنها اظهار نزدیکی پیامبر به علی می دانند و اظهار خواسته اش که علی به عنوان پسر عمو و دامادش، جانشین او در در مسئولیت های خانوادگی بعد از رحلت آنحضرت شود" **بگفته احمد علی کاظمی موسوی**، استاد حقوق اسلامی ، بسیاری از منابع اهل سنت واقعه غدیر خم را تنها نقل کرده اند اما قایل به این موضوع نیستند که غدیر دلالت بر تعیین علی به عنوان جانشین سیاسی پیامبر مسلمانان داشته است.

مجموعه جامعی از نقل و قول ها و احادیث در مورد غدیر خم در سه کتاب اهل سنت وجود دارد. این سه اثر عبارتند از، کتاب **مُسند احمد بن حنبل**، **تاریخ مدینات دمشق ابن عساکر**، و کتاب **البدایة و النهایة**، ابن کثیر.

برای همگان واضح است که از آغاز ذی القعدة سال دهم هجری که آخرین سال زندگانی پیامبر بود، به همه مناطق مسلمان نشین و ایل ها، و قبیله های مسلمان عربستان آگاهی داد که وی در این ماه به مکه معظمه خواهد رفت و حج به جای خواهد آورد و بدین ترتیب بزرگترین اجتماع مسلمانان شکل گرفت که امروز به نام

حجت الوداع، معروف است. حضرت محمد، در پایان حج، به سرعت دستور حرکت جهت اجتماع در غدیر خم را دادند. حتی 12000 از مردمان اهل یمن، که برای رفتن به میهن خود باید راه دیگری را می پیمودند، به دستور آن حضرت به کاروان حجاج مسلمانان، پیوستند. در میان راه مکه و مدینه، آیه قرآنی عظیم الشان، با چنین سیاق و محتوا، فرو فرستاده میشود:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ. (5:67)

" ای پیامبر! آن چه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، به مردم برسان. اگر این کار را نکنی، رسالت الهی را به انجام نرسانده ای و خداوند از مردم نگاهت خواهد داشت."

در پی نزول این آیه مبارک، پیامبر دستور داد همه کاروانیان در آن محل گرد هم آیند، و در همان جا پیامبر خطابه طولانی غدیر را به حاضرین و سامعین ایراد فرمود. برخی از این سخنرانی که در معرفی حضرت علی است، چنین آمده است. " ای مردم! بدانید که خداوند علی را ولی و امام شما قرار داده و اطاعت او را بر مهاجران و انصار، و آنهایی که به نیکی از آنها پیروی کنند، و بر شهری و روستایی و عجم و عرب و آزاد و مملوک و بزرگ و کوچک و سفید و سیاه واجب کرده است. آگاه باشید که "امیر المؤمنین"، غیر از این برادرم کسی نیست د و پیشوایی مؤمنان پس از من بر کسی جز او روا نخواهد بود. او جانشین من در میان امتم و پیشوای کسانی است که به من ایمان آورده اند و نیز جانشین من در تفسیر کتاب خدا است. خداوند دین شما را به واسطه امامت او کامل گردانید. به دستور او گوش فرا دهید تا در سلامت بمانید و از او پیروی کنید تا هدایت شوید. ای مردم! من "صراط المستقیم"، هستم که خداوند شما را به پیروی از آن امر فرموده است. آن گاه پس از من علی و پس از او، فرزندانم از نسل او. من { از جانب خداوند } دستور یافته

ام که از شما در باره آنچه که از سوی خداوند در باره علی امیر المؤمنین و اوصیای پس از او آوردم، بیعت بگیرم و دست شما را بفشارم. خداوند به من دستور داده که از زبان های شما در مورد آنچه بیان نمودم- راجع به علی ، امیر المؤمنین و امامانی که پس از می آیند، و از من و از اویند اقرار زبانی بگیرم و چنانکه خبر تان دادم، نسل من از صلب علی است. همگی بگوئید: شنیدیم و اطاعت می کنیم و خرسندانه - در مقابل آنچه از سوی پروردگار ما و خویش در باره امامت علی امیر المؤمنین و امامانی که از صلب او دنیا می آیند، به ما رساندی - سر تسلیم فرود می آوریم. تغییر نمی دهیم و تبدیل وانکار نمی کنیم، تردید به دل راه نمی دهیم و از این باور بر نمی گردیم و پیمان نمی شکنیم. بعد از این خطابه آیه زیر نازل میگردد:

الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا. (5:3)

" امروز کافران از دین شما نا امید شدند . پس از آنان نهراسید و از پروردگار تان بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام داشتم و اسلام را به عنوان دین تان پسندیدم."

ز ریای کبر بگذر جلوات کبریا بین

به مقام سعی دل را همه روضه الصفا بین

به خم غدیر امروز تجلی خدا بین

به ملا لقای حق را به لقای مرتضی بین

که خدای جلوه گر شد به لباس مرتضایی

( حسین اصفهانی )

مراسم بیعت مسلمانان با پیامبر و علی برای مدت سه روز طول کشید و حتی بانوان با قرار دادن دست خود در ظرف بزرگ آبی که در سوی دیگر آن در درون خیمه ، دست علی قرار داشت، بیعت خود را اعلام می کردند. در دیدگاه شیعه، منافقین که دسته قابل توجه ای را تشکیل میدادند، در ماجرای غدیر و به اراده الهی، نتوانستند نیات خود را آشکار و عملی سازند؛ اما در میان جمعیت شبه افگنی هایی نسبت به اقدام پیامبر انجام دادند و شخصی به نام " حارث فهری" ، را تحریک کردند تا نزد رسول خدا بیاید و بر خلاف همه تصریحات آن حضرت در ضمن خطبه، سؤال کنند که آیا آنچه در باره علی بن ابی طالب گفتمی از جانب پروردگار بود، یا از جانب خود؟ پیامبر فرمودند: " خداوند به من وحی کرده است و واسطه میان من و خدا جبرئیل است و من اعلام کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگار م، خبری را اعلام نمیکنم."

**اهمیت تاریخی حجت الوداع:** هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علیه و آله و سلم و خروج آن حضرت از مکه معظمه نقطه عطفی در تاریخ عقیدتی و سیاسی اسلام به شمار می آید و بعد از این هجرت، آن حضرت سه بار به مکه سفر نموده و تشریف فرما شدند. **بار اول** در سال هشتم پس از صلح حدیبیه به عنوان عمره وارد مکه شدند و طبق قراردادی که با مشرکین بسته بودند فوراً باز گشتند. **بار دوم** ، در سال نهم به عنوان فتح مکه وارد این شهر شدند، و پس از پایان برنامه ها و بر چیدن بساط مخالفین، مشرک و بت پرست، به طائف رفتند و هنگام بازگشت به مکه آمده و حج عمره را به جا آوردند و سپس به مدینه بازگشتند. **سومین** ، و آخرین بار بعد از هجرت که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، وارد مکه شدند و در سال دهم هجری بعنوان حجت الوداع بود که آن

حضرت برای اولین بار به طور رسمی اعلان حج دادند تا همه مردم در حد امکان حاضر شوند.

در این سفر دو مقصد اساسی در نظر بود، و آن عبارت بود از دو حکم مهم از قوانین اسلام که هنوز برای مردم به طور کامل و رسمی تبیین نشده بود: یکی حج و دیگری مسئله **خلافت و ولایت و جانشینی** بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم. پس از اعلان عمومی سفر حج، مهاجرین و انصار و قبایل اطراف مدینه و مکه و حتی بلاد یمن، بیاموزند و در نخستین سفر رسمی آن حضرت، به عنوان حج شرکت داشته باشند. اضافه بر آنکه حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر من است و این می توانست باعث شرکت همه جانبه مردم گردد. از جمله جمعیت یک صد و بیست هزار نفری، تنها هفتاد و هزار تن آن ها با آنحضرت از مدینه حرکت کرده بودند، و همه شال لیبیک گویان با هم متصل بودند. آن حضرت چند روزی به ماه ذی الحجه مانده بود که از مدینه خارج شدند و بعد از ده روز طی مسافت در روز سه شنبه پنجم ذی الحجه به مکه معظمه رسیدند. آن حضرت اولین خطابه خویش را ایراد فرمودند که در حقیقت یک زمینه سازی برای خطبه غدیر بود. در این خطبه ابتدا اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از دیدگاه جان و مال و آبروی مردم نمودند، و سپس خون های به ناحق ریخته شده و اموال به ناحق گرفته شده دوران جاهلیت را رسماً مورد عفو قرار دادند تا کینه توزی ها از میان برداشته شود و فضای اعتماد برای تأمین امنیت آماده شود. در این جا تصریح فرمودند، که اگر من نباشم علی ابن ابی طالب در برابر مخالفین و متخلفین ایستادگی خواهد نمود. بعد آن حدیث ثقلین بر زبان آنحضرت جاری شد، و این چنین فرمودند:



إِنِّي تَارِكُ فَيْكُمْ مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِزَّتِي أَهْلِيَّتِي، وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَلْفُؤُونِي فِيهِمَا».

"بدرستی که من بجا می گذارم در بین شما چیزی که اگر بدان چنگ بزنید بعد از من هرگز گمراه نخواهید شد، یکی از آن دو از دیگری باعظمت تر است، کتاب خدا که ریسمانی متصل از آسمان به زمین است، و خاندان نبوت، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا سر حوض کوثر بر من وارد شوند، پس دقت نمائید که بعد از من در حق آن دو چگونه رفتار خواهید داشت"، و یا هم تعبیر و تفسیر دیگری: "من دو چیز گران بها را در میان شما باقی می گذارم که اگر به این دو تمسک ورزید، هرگز گمراه نخواهید شد: و این دو چیز کتاب خدا و عترتم، یعنی اعل بیتم هستند." خطابه دوم آن حضرت در مسجد خیف، در روز سوم توقف شان در محل، بار دیگر آن حضرت فرمودند تا مردم در مسجد یاد شده اجتماع نمایند. و در آن جا نیز خطابه ای ایراد فرمودند که ضمن آن ضریحاً از مردم خواستند که گفته های شان را خوب بخاطر بسپارند و به غائبان نیز برسانند. در این خطابه مردم را به دلسوزی برای امام مسلمین و تفرقه نه انداختن سفارش فرمودند و تساوی همه مسلمانان را در برابر حقوق و قوانین الهی را اعلام نمودند. بعد از آن بار دیگر متعرض مسئله خلافت شدند و حدیث ثقلین را بر زیان خود جاری ساختند، و بار دیگر زمینه را مساعد ساختند. در این حضرت ابوبکر و حضرت عمر به عنوان اعتراض، به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: آیا این حقی از طرف خدا ورسولش است؟ حضرت کمی غضبناک فرمودند: حقی از طرف خدا ورسولش است، خداوند این دستور را به من داده است. همه مردم در منطقه غدیر پیاده شدند و هر یک برای خود جایی پیدا کردند، و کم کم آرام گرفتند. شدت گرما در اثر



حرارت آفتاب و داغی زمین سوزنده و به حدی نا راحت کننده بود که حتی حضرت خود گوشه ای از لباس خود را بر سر خویش کشیده و در گوشه ای نشستند و برخی از البسه های شان را نیز زیر پای خود گذاشتند تا از گزند گرما و تفت آن محیط و منطقه کمی هم در امان قرار گیرند. از سوی دیگر پیامبر (ص)، سلمان، ابوذر و مقداد را فرا خواندند و به آنان دستور دادند تا به محل درختان کهنسال بروند و آن جا را آماده کنند. آنها خار های زیر درختان را کردند و سنگ های نا هموار را جمع نمودند و زیر درختان را جاروب کردند و بعد آب پاشی نمودند. در فاصله میان دو درخت روی شاخه ها پارچه ها بی انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل را برای برنامه سه روزه ای که آن حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود. سپس زیر سایبان، سنگ ها را روی هم چیدند و از رو انداز های شتران و سایر مرکب ها هم کمک گرفتند و منبری به بلندی قامت آن حضرت ساختند و روی آن پارچه ای انداختند، و آن را طوری بر پا کردند که نسبت به دو طرف جمعیت در وسط قرار گیرد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشند تا صدای آن حضرت به همه کس برسد و همه آن حضرت را مشاهده کرده بتوانند.



پیشوایی بعد احمد غیر حیدر هست، نیست

غیر حیدر جانشینی به پیمبر هست، نیست

نیست کاری خارج از کار خدا در هر دو کون

دست حق در هر دو عالم غیر حیدر هست، نیست

در غدیر خم که شد منصوص از امر خدا

دیگری غیر از علی مولا و سرور هست، نیست (همدانی)

بعد از آن مردم ناظر بودند که آن حضرت، بر فراز آن منبر ایستادند و امیر المؤمنین علیه السلام را فرا خواندند و به ایشان دستور دادند بالای منبر بیایند و در سمت راست شان به ایستند. قبل از شروع خطابه، امیر المؤمنین علیه السلام یک پله پایین تر بر فراز منبر در طرف راست ایستاده بودند. سپس آن حضرت نگاهی به چپ و راست مردم کردند و منتظر شدند تا جمعیت کاملاً جمع شوند و به خاموشی گرایند تا باشد سخنان آن حضرت نهمتر شنیده شوند. باید گفت که دو اقدام عملی بر روی منبر صورت گرفت: اول، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بعد از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیر المؤمنین علی السلام، برای آنکه تا آخر روزگار راه هر گونه شک و شبهه بسته باشد و هر تلاشی در این راه در نطفه خنثی شود، ابتدا مطلب را به طور لسانی اشاره کردند، و سپس به صورت عملی برای مردم بیان نموده و این چنین اظهار داشتند: "باطن قرآن و تفسیر آن را برای شما بیان نمی کند مگر این کسی که من دست او را می گیرم و او را بلند می کنم و بازیش را گرفته و او را بالا می برم." بعد از آن حضرت فرموده خود را عملی کردند، و بازوی علی ابن ابی طالب را گرفتند. در این هنگام امیر المؤمنین علیه السلام دست خود را به سمت صورت باز کردند تا آنکه دست های هر دوی ایشان بسوی آسمان قرار گرفتند. سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم امیر المؤمنین علیه السلام را از جا بلند کردند تا

حدی که پا های آنحضرت برابر زانو های حضرت محمد ، قرار گرفتند، و در این حال فرمودند: **هر کسی را که من مولای او هستم، این علی ابن ابی طالب مولا و صاحب اختیار او است.**

**دوم ، بیعت با قلب ها و زبان ها:** اقدام دیگر حضرت آن بود که چون بیعت گرفتن از فرد فرد آن جمعیت انبوه ، از طرفی غیر ممکن بود و از سوی دیگر امکان داشت افراد به نهانه های مختلف از بیعت شانه خالی کنند، و حضور نیابند، و در نتیجه نتوان التزام عملی و گواهی قانونی از آنان گرفت، لذا حضرت در اواخر سخنان شان فرمودند : ای مردم ، چون با یک کف دست و با این وقت کم و با این سیل جمعیت، امکان بیعت برای همه وجود ندارد، پس شما همگی این سخنی را که من می گویم تکرار کنید و بگویید: ما فرمان تو را که از جانب خداوند در باره علی ابن ابی طالب و امامان و فرزندانش به ما رساندی اطاعت میکنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستمان با تو بر این مدعا بیعت میکنیم.. عهد و پیمان می بندیم در برابر ایشان، از قلب ها، جان ها و زبان ها و ضمیر ها و دست مان گرفته شد. هر کس به دستش توانست و گرنه با زبانش بدان اقرار کرده است.

برنامه بیعت و نهنیت الی سه روز ادامه داشت، و این مدت را حضرت محمد(ص) در غدیر خم اقامت داشتند ، و هم خیلی ها بجا خواهد بود که در این مقطع به مسئله جالبی از تاریخ این بیعت اشاره کنیم: " اولین کسانی که در غدیر خم با امیر المؤمنین علیه السلام، بیعت نمودند و خود را از دیگران جلو تر انداختند همان هایی بودند که زود تر از همه آن را شکستاندند و پیش از همه پیمان خود را زیر پا گذاشتند. آنان عبارت بودند از : حضرت ابو بکر، حضرت عمر، حضرت عثمان،

طلحه و ذبیر، که بعد از پیامبر (ص)، یکی پس از دیگری رو در روی امیر المؤمنی علیه السلام ایستادند. " جالب تر از آن اینکه عمر بعد از بیعت این عباره ها و واژه ها را بر زبان می راند: افتخار برایت باد، گوارایت باد، ای پسر ابی طالب، خوشا به حالت ای ابوالحسن، اکنون تو مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن شده ای. " بدین ترتیب پس از سه روز، مراسم پایان پذیرفت و آن روزها به عنوان ایام الولایه ( روز های ولایت امیر المؤمنین)، در ذهنیت مردمان و همه باورمندان نقش بست. دسته ها، گرو ها، و قبایل عرب، هر کدام شان با دنیایی از معارف اسلامی، پس از وداع با پیامبر خدا و حصول معرفت کامل با جانشین او ، راهی شهرها، آستانها و دیار خود شدند، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عازم مدینه گردید. اخبار رویداد سترگ غدیر در شهرها، دهکده ها ، آستانها و مداین منتشر شد و به گونه خیلی ها سرسام آور و به سرعت شایع گردید، و بدینگونه خداوند حجتش را بر مردم و باورمندان تمام فرمود.

تن گور توست، خشم مگیر از حدیث من

زیرا که خشم گیر نباشد سخن پذیر

بہتر رہی بگیر کہ دو راہ پیش

سویی بنه و راہ طلب کن یکی خفیر

بنگر کہ خلق را بہ کہ داد و چگونہ گفت

روزی کہ خطبہ کرد نبی بر سر غدیر

دست علی گرفت و بدو داد جای خویش

گر دست او گرفت، از دست او مگیر

( ناصر خسرو )

رویداد **غدیر خم** و **اهمیت تاریخی آن برای تشیع**: سر تاسر حیات پر بار رسول اکرم(ص)، و هر لحظه آن از دیدگاه زمان و مکان، در نزد همه مسلمانان دارای اهمیت خیلی ها بسزایی است؛ چرا که نه تنها کلام رسول اکرم به نص صریح آیات مبینات قرآن، عاری از هر گونه هوا و هوس و متصل به سرچشمه وحی است، و آنهم وحی عقلانی با داشتن ظرفیت بشری و انسانی، که عمل و فعل آنحضرت نیز بر تک تک مسلمانان حجت است و صراط مستقیم را به عالمیان می نمایاند. اما در این میان، مقاطعی ویژه و خاص از زندگانی آن بزرگوار، به جهات گوناگون از اهمیت ویژه بر خوردار می باشد که یکی از بارزترین آنها، واقعه غدیر خم است. این واقعه از ابعاد و جهات گوناگون متفاوت، دارای درخشش خاصی در تاریخ اسلام است. کمتر مقاطع تاریخی را میتوان در جهان اسلام دریافت نمود که از لحاظ اسناد و مدارک، اطمینان از اصل رویداد، کثرت راویان اعتماد بزرگان و علمای دنیای اسلام، قوا و استحکامی نظیر این رویداد مهم داشته باشد. هنگامی که به روایات حدیث غدیر می نگریم، در مرتبه نخست نام اهل بیت گرامی حضرت رسول خدا، صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی، امام علی، فاطمه زهرا، امام حسن، و امام حسین، علیه السلام دیده میشود و در مرتبه بعدی نام های حدود **110** تن از صحابه پیامبر اسلام، به چشم میخورد که در این میان نام افرادی شاخص از میان صحابه چون: **ابوبکر بن ابی قحافه، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، عایشه بن ابی بکر، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار یاسر، زبیر بن عوام، عباس بن عبد المطلب، ام سلمه، زید بن ارقم، جابر بن عبد الله انصاری، ابو هریره، عبد الله بن عمر خطاب.**

این موضوع توجه آدمی را به خود معطوف میدارد که تمامی آنان در رویداد غدیر حاضر بوده اند و حدیث غدیر را بدون واسطه نقل نموده اند. سپس در میان تابعین

حدیث غدیر را از 83 تن، از تابعین نقل شده است از جمله آنان میتوان به: اصبح بن نباته، سالم بن عمر بن خطاب، سعید بن جبیر، سلیم بن قیس، عمر بن عبد العزیز (خلیفه اموی)، و دیگران اشاره نمود. پس از تابعین، در میان علمای اهل تسنن از سده دوم تا سده سیزدهم، 360 تن، حدیث غدیر را در آثار خویش نقل کرده اند که سه تن از صاحبان صحاح سته (صحاح ششگانه)، و دو تن از پیشوایان فقهی اهل تسنن، نیز در شمار این بزرگان جای دارند. در میان محدثین و علمای شیعه نیز افرادی فراوان حدیث غدیر را در کتب و آفریده های فکری و ذهنی شان روایت نموده اند، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست. از این اندیشمندان می توان به: شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، و دیگران اشاره نمود. بنا بر آن چه که ذکر گردید، در میان بزرگان و محدثین اهل سنت و جماعت و به دنبال دقت آنان بر روی راویان و طرق متفاوت نقل حدیث غدیر، اندیشمندان بسیاری، حدیث غدیر را حدیثی، حسن، یاد نموده اند و عده ای کثیری روایت غدیر را روایتی صحیح، دانسته اند. و حتی نزد عدی ای از بزرگترین صاحب نظران اهل تسنن، یا با توجه به شمار فراوان راویان و طرق متعدد نقل حدیث، که روایت غدیر دارد، آن را حدیثی متواتر، ذکر نموده اند. علما، بزرگان و محدثین شیعه نیز به اتفاق کل، این حدیث را حدیث متواتر، ذکر نموده اند.

اگرش خدای خوانم به یقین رضا نباشد

گرش جدای دانم به خدا روا نباشد

اگر او خدا نباشد ز خدا جدا نباشد

بود این عقیده من که گر او خدا نباشد

به خدا قسم که داده است خدا به او خدایی

علی ای که ذات پاکت زده کوس بی مثالی

ملکوت را تو مالک، جبروت را تو والی  
به تو زید و بس این هم که خدات خوانده عالی (محمد حسین اصفهانی)

از منظر دیگری، آنچه که بر گونه غدیر رنگ جاویدانگی می زند؛ و اهمیت این واقعه را دوچند می سازد، فرو فرستادن و شرف نزول دو آیه کریمه از قرآن کریم است، که یکی آیه 67 سوره مائده، و دیگری آیه 3 سوره مائده؛ در ارتباط با این رویداد بزرگ است که بر طبق نظر مفسران نام آور شیعه و سنی، شأن نزول این آیات، مربوط به واقعه غدیر خم می باشد. طبیعی است هر مسلمان، هنگامی که در تلاوت قرآن بدین دو آیه می رسد، شگفت زده از خویش بپرسد این چه امر خطیری است که عدم ابلاغ آن توسط پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، زحمات بیست و سه (23) ساله آن حضرت را به تباهی می کشاند و در این صورت نبی اکرم، هرگز رسالت خویش را در برابر مردم به سر نه رسانده و وظیفه پیامبری را بجا نه آورده است؟ واقعاً این چه پیامی است که خداوند متعال به پیامبر خویش وعده داده است تا او را در زمینه ابلاغ آن، حافظ و نگهدار باشد؟ بر علاوه، آیا این موضوع دارای چه اهمیتی است که ابلاغ این پیام به امت و پیروی مردم از آن، سبب کامل شدن دین و تکمیل شدن نعمت و رضایت پروردگار می گردد؟ لذا دیگر جای پرسش باقی نمی ماند که روز نزول و ابلاغ این امر مهم و خطیر که بدین واسطه، روز اکمال دین و رضایت پروردگار محسوب میگردد، دارای اهمیت بسزایی در میان مسلمین خواهد بود.



## مقتدای اهل عالم چون گذشت از مصطفی

ابن عمّ مصطفی را دان علی مرتضی

بهر اثبات امامت گری بود قاضی عدل

علم وجود و عفت و مردیش بس باشد گواه

وارث شاهی که از تشریف خاص مصطفی

کسوت من کنت مولا به قد اوست راست ( ابن یمن فریومدی)

غدیر: غدیر در واقعیت جغرافیای فطر تستان است، و محل دیدار عینی و واقعی با واقعیت های زمان و مکان، غدیر زمان آگاهی وجدان هاست و ایجاد شرایط پذیرش عقلانیت، صمیمیت و صداقت است. نهار ایمان است، آئینه زندگی نمای ادبیات واقعیت ها و دانستنی های زندگی عملی حاکمیت انسانی است، چشمه حیات است در خانقای جان، روز کمال دین است و فراوانی و ارزانی نعمات مادی و معنوی خداوند بر باور مندان است، جشن رستن از خویش است و پیوستن به واقعیت های تاریخ و یزدانی، غدیر تنها بر که نیست بلکه امتداد بدون تردید و اقعیت گرایانه تاریخ است، شیوه آزادی بیان و شکوفایی اذهان است، غدیر راه و شیوه رای رستگاری و نجات است، راه پیام و الهام آفرینی است، وحی عقلانی و خرد ورزانه است. غدیر در واقعیت امر تداوم رسالت در قالب و شیرازه اخلاقیات امامت است، غدیر پرتو قرآن، فرقان، عرفان، برهان و ایمان است. غدیر دارای سیاق قرآنی است، و توضیح دهنده و تفسیر کننده هدایت قرآنی است، با وصف آنکه واضحاً از آن در قرآن یاد هانی صورت نگرفته است. همه مسلمانان اجماع و اتفاق دارند که قرآن، فرقان این امت است، یعنی حق و باطل دایره مدار قرآن هستند. آنچه با قرآن مقارن و همزیان باشد، آن حق است و هر آنچه با قرآن

جدایی و فرقت ، غرابت ، تضاد و تعاند داشته باشد، آن باطل است و سراب. قرآن کتاب زندگی است، تاریخ نیست، هدایت است. از آنجایی که قرآن کتاب هدایت است و نه کتاب تاریخ، بسیاری از عقاید تاریخی و رویداد های مهم تاریخی اسلام و دنیای اسلام با ذکر جزئیات در قرآن نه آمده است، و از جمله آن مسئله و رویداد عظیم غدیر است. غدیر از آن عقاید و باور های تاریخی با اهمیت و پر ارزش است که ریشه در قرآن دارد و عالمان فرق اسلامی به قرآنی بودن عیده غدیر و امامت امام علی علیه السلام، تصریح و تأکید ورزیده اند. از دیگر وعده هایی که خداوند برای حضرت رسول خدا در روز غدیر میدهند، این است که دین اسلام با امامت کمال می یابد و نعمت هدایت خداوندی تمام میگردد:

حُمَّتْ عَلَيْكُمُ الْاِمِّيَّةُ وَاللَّحْمُ وَالْخَزِيرُ وَمَا اَهْلٌ لِّغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ وَالْمَوْقُوْتَةُ  
 وَالْمُحْرَبِيَّةُ وَالذَّيْبُ وَمَا اَكَلَ السَّبْعُ اِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلٰى النُّصُبِ وَاَنْ تَسْتَقْسِمُوْا  
 بِالْاَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمَ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ دِيْنِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ  
 اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِيْنًا فَمَنْ اَضْطُرَّ فِي  
 مَخْصَصَةٍ غَيْرِ مُتَحَدِّثٍ لِاِيْمٍ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (5:3)

" حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و هر حیوانی که به هنگام کشتن نام دیگری جز الله را بر او بگویند، و آنچه خفه شده باشد یا به سنگ زده باشند یا از بالا در افتاده باشد یا به شاخ حیوانی دیگر بمیرد یا درندگان از آن خورده باشند، مگر آنکه ذبحش کنید. و نیز هر چه بر آستان بتان ذبح شده شود و آنچه به وسیله تیر های قمار قسمت کنید که این خود نا فرمانی است. امروز کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید شده اند. از آنان مترسید از من بترسید. امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را دین

شما برگزیدم. پس هر که در گرسنگی بی چاره ماند بی آنکه قصد گناه داشته باشد، بدانند که خدا آمرزنده و مهربان است." (5/3)

بدون تردید شاید در این جا پرسشی به میان آید، آیا مگردین اسلام تا همان لحظات ناقص بود که این آیه مبارکه نازل گردید تا فرآین تکمیل آن به پایه اکمال برسد؟ آری به این معنی که بله، دین اسلام تا همان لحظه کامل نبود چون که وحی هنوز به آخرین مراحل خود نرسیده بود و با این آیه به آخرین پای تمت رسید. علاوه بر این ، این آیه بخشی عظیمی از احکام فقهی اسلام را در بر دارد و در واقع این آیه بیان گر احکام ذبایح در اسلام می باشد و همین احکام دین اسلام را از دیگر ادیان امتیاز می بخشد. و نه، به این معنا که اکمال دین در این جا صفت دین نیست بلکه اکمال صفت امامت است و با امامت دین کمال می یابد و نه اینکه کامل میشود، چونکه بین کامل و اکمال فرق خیلی ها زیاد وجود دارد. لذا بر همین بنا است که شیعه برادران اهل تسنن را خارج از دین نمیدانند، بلکه دین دارانی میدانند که درجه کمال دین داری اش کم است نه این که دینش ناقص و کم ، به معنای بی دینی باشد. چرا در روز غدیر دین کامل شد؟ پاسخ به این سوال به تفسیر و تبیین نبوت و امامت بستگی دارد زیرا پیامبران دین الهی را به مردم ابلاغ می کنند و تشکیل ملت و دولت توحیدی می دهند و عامل محدثه آورنده دین می باشد و امامان معصوم(ع)، دین الهی را پس از پیامبران با همان اصالت و سلامت به عصر ها و نسل های آینده انتقال می دهند، حفظ می کنند و عامل جاویدانگی و حفظ دین خداوند می باشد و چون در غدیر بیعت با ولایت تحقق یافت و اصل امامت در پرتو اصل نبوت سامان گرفت دین تکمیل شد که فرمود:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَحَدِّثٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (5:3) چرا نعمت های

خدا بر انسان ها در روز غدیر خم به اکمال رسید؟ پاسخ این پرسش را آنهایی خوب میدانند که در زندگی اجتماعی شان دچار هرج و مرج و بی قانونی شده باشند و یا در نظام فکری و عقیدتی خود در دام دگم اندیشان در تفسیر دین و انحصار اندیشان در دین داری و تمامت خواهان در دین ورزی، گرفتار شده باشند. فکر میکنم برای برون رفت از همه گونه نا رسایی های اجتماعی، دینی، عقیدتی و سیاسی، و بخاطر رفتن بسوی یک جامعه انسان سالار و باور مند، نیاز داریم تا به این فرموده استاد سخن و کلام، مبارز نستوه عرصه دیانت و ایمان، علی شریعتی را بایده تنها زمزمه کرد بلکه باید، برای همیشه به یاد داشت.



مردم و ملت افغانستان پاسخ این سوال را از همه نهر درک می کنند چرا که هم در زندگی اجتماعی خود دوره هرج و مرج و بی قانونی و بی نظمی را تجربه کرده اند و هم گرفتار دینداران تمامت خواه و دگم اندیشان و انحصار گرایان در قرائت، تعبیر و تفسیر دین شده اند که اوج این دوران و بحران خانمانسوز و هستی بر باد دهنده، را میتوان در سه دهه اخیر، به ویژه به میان آمدن حاکمیت به اصطلاح مجاهدین و

طالبان، و حاکمیت امریکایی مشربان بیگانه از دین و دینداری، یاد آور شد.  
کامگار و پیروز باشید

پی نوشت ها :

1. مستدرک حاکم , ج 3 ص 14 استیعاب , ج 3 ص 35
2. ج 2 ص 16 نگارش محب الدین طبری .
3. مسند احمد, ج 3 ص 369 مستدرک حاکم, ج 3 ص 25 الرياض النضرة, ج 3 ص 192 و... .
4. مسند احمد, ج 2 ص 26
5. نهج البلاغه , کلمات قصار, شماره 117 به جای <فیک> , فی است .
6. مجمع البیان , ج 4 ص 37
7. مجمع البیان , ج 4 ص 37
8. کشف الغمة, ج 1 ص 90
9. مانند مروج الذهب , ج 2 ص 349 الشفاء, ج 1 ص 151 و... .
10. مستدرک حاکم , ج 3 ص 483
11. شرح قصیده عبدالباقی افندی , ص 15
12. برخی مانند ابن خشاب در کتاب موالید الائمة مجموع عمر علی (ع) را شصت و پنج و مقدار عمر آن حضرت را پیش از بعثت دوازده سال دانسته است .  
به کتاب کشف الغمة نگارش مورخ معروف علی بن عیسی اربلی (متوفای سال 693 هـ. ق ) ج 1 ص 65 مراجعه شود.
13. نهج البلاغهء عبده , ج 2 ص 182 خطبهء قاصعه .